

اقدامات محلی در بحران‌های جهانی
حق بر شهر و نقش مراکز حمایت اجتماعی و مدیریت بحران محلات
در مقابله با شیوع بیماری کرونا (شهر تهران)

وحید حائری

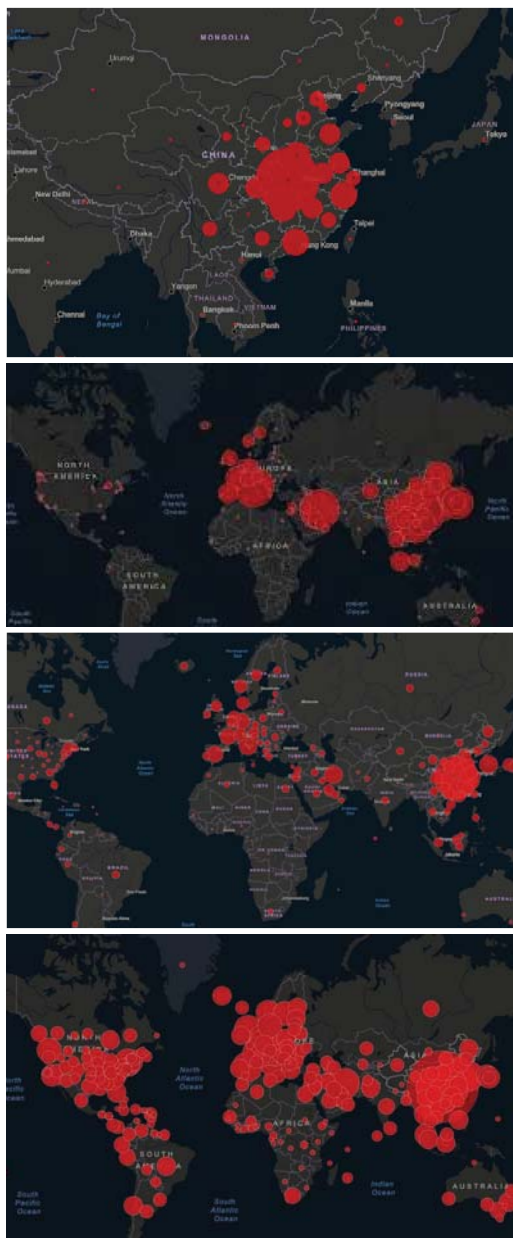
کارشناس ارشد طراحی شهری و مدیر دفتر مطالعات تطبیقی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هنر، شهر و معماری
vahid_haeri@yahoo.com

چکیده

در مواجهه بحران‌هایی چون شیوع بیماری کرونا و دیگر حوادث چون سیل و زلزله، یکی از ساختارهای غایب در نظام مدیریت شهری، مراکز حمایت اجتماعی در مقیاس محله‌ای است. سازوکاری اجتماعی و مشارکتی به منظور شناسایی ظرفیت‌ها و کمبودهای جوامع کوچک محلی پیش از بحران، هدایت و راهبری اقدامات بحران و حمایت و کمک به رفع صدمات پس از بحران، از آن حیث که چنین مجموعه‌ای بدون حمایت مدیریت شهری و نظام حکمروایی میسر نخواهد شد، بررسی اثرات روانی و اجتماعی ناشی از بحران‌هایی چون شیوع کرونا در شهرهایی چون تهران چه از لحاظ ابزار و توانمندی‌های مقابله با شیوع و چه تبعاتی در روابط میان شهروندان و نظام حکمروایی و مدیریت شهری هر چه بیشتر، حاکی از اهمیت اتخاذ سیاست‌ها و تدوین برنامه‌ها و طرح‌های حمایت اجتماعی متمرکز و پیوسته و البته در مقیاس محلی است. از همین روی در این نوشتار سعی در بازخوانی تأثیرات شیوع بیماری کرونا به عنوان یک بحران شهری بر ساختارهای دیالکتیک شهر و شهروند، حق بر شهر و تأکید بر لزوم اتخاذ برنامه‌های حمایت اجتماعی در مقیاس محلی در کنترل و مقابله با بحران‌های آتی نظام شهری و اجتماعی شهرها به عنوان راهبردی محلی برای بحرانی جهانی است.

واژه‌های کلیدی: شهر، بحران، حق بر شهر، محله، حمایت اجتماعی و شهروندی.

شکل ۱- ابعاد شیوع ویروس کرونا



(سایت دانشگاه جان هاپکینز؛ تهیه شده از نقشه‌های ۳۰ ژانویه تا ۳۰ مارس ۲۰۲۰)

مقدمه

ویروس کرونا در آغاز سومین دهه از هزاره سوم میلادی، یادآور مفهومی به حاشیه رفته از بحران شیوع بیماری در جهان بود؛ بحرانی که برخلاف موارد پیشین، سوار بر ارکان جدید زندگی امروز، عرصه‌های جدیدی در اثرات اجتماعی و اقتصادی چه در ابعاد جهانی و چه ابعاد محلی به همراه داشته است. سرعت انتشار و جهانی شدن شیوع این ویروس را هر چه بیشتر باید در ماهیت شهر و شهرنشینی و مؤلفه‌های توسعه شهری جست‌وجو نمود. به تعبیری ویروس کرونا را باید ویروسی اجتماعی نامید که جولانگاه خود را در شهر به عنوان یک پدیده هرچه بیشتر اجتماعی یافته و با همین ابزار به مفهوم جهانی شهر حمله کرده است. کرونا، ویروسی شهری است و به وسیله تعاملات و ارتباطات اجتماعی منتشر می‌گردد. بنابراین شهر تنها با تغییر در ماهیت روابط اجتماعی، امکان نجات از آن را خواهد داشت؛ واقعیتی بس عجیب و قابل تأمل.

ویروس کرونا زاینده نظام مصرف شهری و منتشر شده با ابزار جدید ارتباطی و حمل و نقل و تحفه توسعه، پیشرفت و فرهنگ مصرف جهانی است. از همین روی در فرآیند شیوع و گسترش، مرز و کشور و زبان نمی‌شناسد. همچنین الگوها و میزان شیوع در کشورهای مختلف به روشنی حاکی از ابتلا و ناکارآمدی سازوکارهای مدرن شهری نیز هست و نمی‌توان میزان و رشد ابتلا به آن را معلول میزان توسعه یافتگی یا قدرت و ثروت کشورها دانست. آنچه در این حوزه واجد تفاوت است، زیرساخت‌ها و نحوه مواجهه و اقدام در اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه و حمایتی در کشورها و عرصه‌های شهری مختلف است.

اما آنچه در عبور از این بحران جهانی واجد اهمیت است، سلامت و بقای نظام اجتماعی در زمان مبارزه با این بحران و عواقب پس از آن است. اینکه نظام اجتماعی شهرها تا چه میزان در عبور از این شرایط موفق و تا چه میزان و با چه شرایطی، امکان بازسازی آسیب‌های وارده را خواهد داشت. به علاوه ارزیابی اینکه روابط میان نظام حکمروایی شهری و جامعه سازنده آن در حین و پس از مبارزه با این ویروس به چه شکل تغییر یا اصلاح خواهد شد، از مسائل امروز و آینده شهرهای جهان خواهد بود.

آنچه تاکنون این ویروس به ما آموخته، لزوم ترویج آگاهی و اعتماد جمعی در شهرها نسبت به واقعیت‌ها و نظام مدیریت شهری و کشوری است. هر چند بحران شیوع ویروس کرونا، بحرانی جهانی است و علاوه بر اثرات زیستی باید در انتظار مواجهه با اثرات اقتصادی ناشی از آن بود، تأثیرات اجتماعی و تبعات روانی و رفتاری ناشی از آن تا مدت‌ها گریبانگیر شهرها و کشورهای درگیر خواهد بود؛ تبعاتی از جنس محلی و مبتنی بر فرهنگ و الگوهای زیستی و روابط اجتماعی کمتر جهانی شده. در واقع ویروس کرونا، بحرانی جهانی است که نیازمند اقدامات محلی در کاهش اثرات اجتماعی و روانی آن است و مدیریت شهری و نظام حکمروایی به عنوان خط مقدم مواجهه با اثرات آن ملزم به پیش‌بینی و انجام اقدامات مقتضی در عرصه‌های زیستی و در مقیاس محلات شهری است.

یکی از الزامات تدوین و برنامه‌ریزی تحقق طرح‌های محلی در مواجهه با بحران‌های عارض بر شهر از جمله شیوع بیماری‌هایی چون کرونا، زلزله، سیل و فرونشست، تهیه آمار و اطلاعات جمعیتی و اجتماعی برای تخصیص حمایت‌های حوزه سلامت، اجتماعی و روانی به آسیب‌دیدگان و تهیه آمار و اطلاعات برخط از وضعیت سلامت ساکنان و ویژگی‌های اجتماعی و رفتاری آنان به صورت پیوسته است. در واقع سیاست حمایت اجتماعی در بحران‌ها به یکی از روش‌های مؤثر

در مقابله با بحران‌ها و اثرات ناشی از آن بدل شده و برخی مطالعات حاکی از تأثیر این روش‌ها در تاب‌آوری^۱ و پاسخگویی جوامع محلی نسبت به بحران‌ها و تنش‌های واردشده بوده است (NICEF, 2019). این مطالعات به دنبال بررسی فرصت‌ها و چالش‌های مؤثر بر میزان پاسخگویی حمایت‌های اجتماعی در برابر بحران‌ها بوده، به روشنی توفیق این برنامه‌ها را در گرو برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی دولتی ارزیابی نموده است؛ برنامه‌ای که به سرعت در کشورهای درگیر بحران‌های محلی و جهانی فراگیر شده است (UNICEF, 2019).

نتایج بررسی‌های او بریان^۲ و همکاران در سال ۲۰۱۸ که برای یونسکو صورت گرفته است، نشان می‌دهد که مشارکت واقعی و عینی بازیگران درگیر در بحران‌ها به عنوان واکنش اضطراری بر اساس سیاست‌های روشن صندوق‌های اضطراری حمایت اقتصادی با پوشش بالای جمعیتی در کنار فعالیت جامع سیستم‌های داده، منجر به اقدامات مؤثر در حل و فصل بحران‌ها می‌گردد.

درباره شهرها و عرصه‌های زیستی ایران نیز هر چند همچنان مؤثرترین نوع اقدامات از نوع اقدامات مشارکتی و مبتنی بر اقدامات محلی است، نبود پشتوانه حمایت دولتی در قالبی مشخص به عنوان حمایت اجتماعی، نبود پایگاه داده‌ای مدون و به‌روز شده از شرایط و نبود سازوکارهای اجرایی و عینی، سابقه مخدوش و اثرات سیاست‌های مدیریتی و دولتی، عدم پاسخگویی و اقدامات خودسرانه و نمایشی سبب صلب اعتماد عمومی به اقدامات و برنامه‌های نظام مدیریت شهری و بی‌توجهی به توصیه‌ها و برنامه‌های این حوزه گشته و جوامع محلی را هرچه بیشتر مورد حمله‌های روانی و رفتاری قرار داده است.

بحران‌ها و وضعیت اجتماعی ایران در زمان شیوع کرونا

اختلال جدی در کارکرد یک جامعه را که خسارت‌های انسانی، مادی و زیست‌محیطی گسترده‌ای را سبب می‌شود، به گونه‌ای که فراتر از توانایی جامعه آسیب‌دیده است تا بتواند صرفاً با استفاده از منابع داخلی خود از عهده این خسارت‌ها برباید و آن را تحمل کند، بحران می‌گویند. همچنین گاهی اصطلاح بحران برای توصیف یک وضعیت ناگهانی دهشتناک مثل زلزله یا سیل که طی آن الگوهای معمول زندگی یا اکوسیستم منهدم می‌شوند و مداخلات فوق‌العاده و اضطراری برای نجات و حفظ حیات انسانی و یا محیط‌زیست الزامی می‌گردد، به کار می‌رود (آهنچی، ۱۳۷۶: ۸).
درباره وضعیت اجتماعی ایران در زمان شیوع ویروس کرونا باید توجه داشت

1- Resilience

2- O'Brien

که مجموعه رخداد‌های سال ۱۳۹۸، مجموعه‌ای از تنش‌های روزافزون بر پیکره جامعه ایران را در پی داشته است. تورم و افزایش نرخ برابری ارز نسبت به پول ملی، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و حوادث منتهی به آن، درگیری‌های سیاسی داخلی و خارجی، سایه جنگ و هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری اکراین به همراه اتخاذ سیاست‌های خواسته و ناخواسته نظام حکمروایی و واکنش نسبت به اعتراضات، موجی از تنش‌های روانی و بحران‌های خفته اجتماعی را در کنار بی‌اعتمادی نسبت به مدیران و تصمیم‌گیران به همراه داشته است. این میراث در شروع شیوع ویروس کرونا در کشور و تقارن آن با انتخابات مجلس شورای اسلامی و به تبع آن برداشت‌های سیاسی و رسانه‌ای از دلایل و صحت آن، هرچه بیشتر شکاف میان تصمیم‌سازان و گروه‌های اجتماعی را سبب گشته و تحقق سیاست‌های مقابله‌ای و پیشگیرانه را دشوارتر نموده است. در واقع پیکره جامعه ایران پیش از مقابله با بحران شیوع بیماری کرونا، وام‌دار زخم‌هایی از بحران‌های گذشته بوده و در عین حال که خود را در این کشاکش تنها و فاقد حمایت پنداشته، از مقاومت آن برای مقابله مجدد با بحرانی نو کاسته است.

برای شناسایی ابعاد و ماهیت بحران‌های حادث شده می‌توان در یک طبقه‌بندی کلی، بحران‌ها را به انواع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و شخصی و خانوادگی طبقه‌بندی کرد و بر این اساس به چند نمونه از مناسب‌ترین انواع آن از منظر ماهیت و علت اشاره نمود:

الف) انواع بحران بر حسب ماهیت

از نظر فلسفه وجودی بحران، بحران انواع مختلف دارد: ۱- بحران طبیعی تکاملی، از قبیل تولد فرزند یا رفتن او به مدرسه ۲- بحران وضعی مثل از دست دادن پایگاه اجتماعی و جایگاه شغلی، مایملک یا یک شخص عزیز ۳- بحران انگزستانسیال^۱ که به دنبال تعارض فرد در زمینه مسائل مهم انسانی همچون هدف، مسئولیت، آزادی و تعهد احساس می‌شود. اگر این قبیل بحران‌ها به شیوه‌ای سازنده حل نشود، منجر به احساس زدگی، بی‌هدفی، یأس و ازهم گسیختگی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹).

ب) انواع بحران‌ها بر حسب علت

در یک طبقه‌بندی دیگر، بحران‌ها به دو گروه عمده یعنی بحران‌های طبیعی و بحران‌های مصنوعی طبقه‌بندی می‌شود. همچنان که می‌دانیم، سه ویژگی بحران یعنی تخریب مایملک، آسیب یا از دست دادن و تأثیر بر خانواده و جمعیت وسیع

1- Existential

در هر دو نوع بحران مشترک است. ضمن اینکه این دو نوع بحران، ویژگی‌های انحصاری دارند که آنها را از هم متمایز می‌کند. ویژگی‌های بحران‌های طبیعی و مصنوعی مطابق جدول ۱ و نمونه‌هایی از بحران‌های مصنوعی عبارتند از: سوانح حمل و نقل عمومی از قبیل هواپیما، قطار، کشتی یا ماشین؛ آتش‌سوزی؛ انتشار مواد سمی در محیط؛ آشوب‌های شهری؛ تبهکاری؛ تروریسم و جنگ. همچنین حوادث طبیعی شامل گردباد، زمین‌لرزه، طوفان، صاعقه، سیل و رانش زمین است. برخی از حوادث نیز از ترکیب دو عامل طبیعی و مصنوعی ایجاد می‌شود، مانند سقوط هواپیما به خاطر شرایط جوی نامساعد و البته بحرانی همچون بیماری کرونا. با توجه به اینکه در بحران‌های طبیعی هیچ‌کس مقصر نیست، بنابراین ممکن است بازماندگان، خشم خودشان را درون خود بریزند و به خاطر اینکه اقدامات احتیاطی لازم را در پیش نگرفته‌اند، احساس گناه کنند یا اعتقاد داشته باشند که بحران، خواست خدا بوده و یا اینکه بحران، نوعی مجازات و کیفر اعمالشان است. بازماندگان بحران‌های طبیعی ممکن است به دلیل نبود مقصر، خشم خود را روی امدادگران و علی‌الخصوص کارکنان بهداشت روانی بحران برون‌ریزی کنند. تبعات و آسیب‌های پس از حادثه در بحران‌های مصنوعی بیشتر از بحران‌های طبیعی است. برای مثال در آسیب‌های ناشی از حمل و نقل عمومی، مرگ‌های غیر معمول عمومیت دارد و اغلب آسیب‌های جدی بدنی و قطع عضو به وجود می‌آید. به دنبال این حوادث ممکن است بازماندگان نسبت به آن نوع از وسیله حمل و نقل دچار ترس و اضطراب شوند. همچنین در بحران‌های مصنوعی، بازماندگان ممکن است نسبت به کسانی یا گروه‌هایی احساس خشم کنند و یا آنها را مقصر بدانند که مسئولیت پیشگیری از حادثه را داشتند (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۱).

جدول ۱- انواع بحران‌های طبیعی و مصنوعی

عوامل	بحران طبیعی	بحران مصنوعی
علت	نیروهای طبیعی	خطای انسانی، بدکارکردی تکنولوژی
نمونه مثال	زمین‌لرزه، گردباد، سیل	سقوط هواپیما، نشت مواد شیمیایی در سطح وسیع، حادثه رآکتور هسته‌ای
مقصر	هیچ‌کس	شخص، صاحبان تکنولوژی، حکومت
وسعت	موقعیت وسیع	موقعیت حادثه ممکن است برای امدادگران و بازماندگان ناآشنا و غیر قابل دسترس باشد.
اثرات پس از حادثه	زیاد	خیلی زیاد، اغلب اعضای خانواده با حادثه اصلی درگیر نیستند.

(احمدی، ۱۳۸۸: ۲۳)

ج) انواع بحران از نظر نوع استرس

- ۱- سوانح^۱: رویدادهایی که تأثیر روان‌شناختی آنها به آسیب‌های بدنی و احتمال وقوع مرگ مربوط است.
- ۲- بلایای طبیعی^۲: این بلاها به دلیل آنکه شخص هیچ‌گونه کنترلی بر آنها ندارد، خودبه‌خود موجب فشار روانی شدید در افراد می‌گردد.
- ۳- جنگ‌های نظامی^۳: سربازان در میدان جنگ همواره در حال ترس و اضطراب به سر می‌برند. ترس آنها از اسیر شدن، مردن و ناقص‌العضو شدن است. همچنین کمبود خواب، خستگی بدنی، جدایی از خانواده و تعارض زندگی، فشار روانی را در آنها افزایش می‌دهد. یکی از احساساتی که همراه با اضطراب و افسردگی در آنان ملاحظه می‌شود، خشم است؛ خشمی انفجار آمیز و توأم با تنفر (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵).

مراحل بحران

به طور کلی بحران مراحل دارد. تعداد و انواع مراحل بحران به گونه‌های متعددی فهرست شده است. در اینجا با بهره‌گیری از نظریه لازاروس (۱۹۶۶)، بحران را در چهار مرحله مطالعه می‌کنیم. ویژگی تقسیم‌بندی حاضر این است که شیوه‌های مداخله‌ای در هر مرحله مستتر است.

- ۱- احساس اولیه تنش که باعث تحریک پاسخ‌های تطابقی متعارف می‌گردد.
- ۲- بالا رفتن تنش همراه با تداوم تحریک و احساس عدم موفقیت در مقابله با کاهش آن.
- ۳- بالا رفتن تنش تا حدی که منابع اورژانس درونی و بیرونی به حرکت درآید.
- ۴- لازم به ذکر است که بحران ممکن است به واسطه عملکرد مکانیسم‌های اورژانسی مانند دیدن مشکل به صورت متفاوت یا صرف نظر کردن از اهداف موقتاً تخفیف پیدا کند.
- ۵- اگر بحران در مرحله سوم تخفیف نیابد و یا با نفی و تسلیم به قضا دفع نشود، مرحله حاد شروع می‌شود. در این مرحله تنش تا جایی افزایش می‌یابد که اختلال در رفتار ظاهر می‌شود و کنترل عاطفی از دست می‌رود. در این مرحله، واکنش مردم بسیار مشابه است.

موارد زیر جزء رایج‌ترین واکنش‌ها هستند:

- ناباوری
- پذیرش

1- Accidents
2- Natural disasters
3- Military combat

- وحشت

- کاهش توانایی فکری

- مقصر دانستن

- جریحه‌دار شدن احساسات (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۸)

باید توجه داشت که تمامی مراحل و علائم بحران منفی نیست. بحران ممکن است نقطه رشد قابل توجهی را به همراه داشته باشد و فرد را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد. ارزش بحران وقتی آشکار می‌شود که شخص آماده رسیدن به مراحل بالاتر (خودشکوفایی) و تعادل باشد. از این رو و به خاطر آمادگی فرد برای تغییر، ارائه یآوری در این مرحله، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. علاوه بر ارائه یآوری، زمینه و ساخت روانی شخص نیز در واکنش او در برابر فشار روانی و بحران‌ها اثر قاطع دارد. پیش‌بینی اثر فاجعه بر فرد و خانواده، کار آسانی نیست. برخی از اشخاص و خانواده‌ها از توشه و توان فراوانی برای مقابله با بحران برخوردارند (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳). در چنین زمانی اهمیت وجود مراکز حمایت اجتماعی پیش و پس از بحران، هرچه بیشتر مشخص و عیان می‌گردد. این مراکز پیش از وقوع بحران‌ها، وظیفه آموزش و توانمندسازی جوامع را برعهده دارند. در شرایط کنونی ایران نیز تعدد بحران‌های پیش از کرونا خود می‌تواند سبب تساهل و بی‌توجهی نسبت به وقایع و اثرات شیوع بیماری گردد.

شیوع کرونا به عنوان یک بحران و شهر به عنوان مسئله

شیوع ویروس کرونا به عنوان یک بحران جهانی از جهات مختلف با دیگر بحران‌ها چون سیل و زلزله، تفاوت‌ها و تشابهات علمی و ماهوی دارد. این شیوع عالم‌گیر را به عنوان یک وضعیت ناگهانی، از آن جهت که اختلالی جدی بر الگوهای معمول زندگی و کارکرد جوامع، همراه با خسارت‌های انسانی، مادی و اجتماعی گسترده‌ای فراتر از توانایی جامعه آسیب‌دیده را سبب شده و مداخلات فوق‌العاده و اضطراری برای نجات و حفظ حیات انسانی و شهری را به یاری می‌طلبد، باید یک بحران نامید. اما آنچه سبب تفاوت این بحران با دیگر بلایای حادث بر شهر شده است، نوع کارکرد و تأثیر آن بر ارکان نظام زیست شهری است. اگر دیگر بحران‌ها همچون زلزله، سیل و حتی جنگ، تأثیر خود را بر جوامع با تخریب ساختارها و ارکان نظام شهری بدان غالب می‌ساختند، این ویروس با تکیه بر همین مظاهر و ارکان زندگی شهری و شهروندی انتشار یافته و شهرها را با ابزار شهرنشینی به عرصه شیوع بیشتر خود بدل می‌سازد. به عبارتی شمار روزافزون مبتلایان به این ویروس در شهرهای مختلف جهان، نشان از شیوع بیشتر و افزایش سریع‌تر نرخ

ابتلا به این بیماری در شهرهای توسعه یافته است؛ زیرا جولانگاه انتشار کرونا، سیستم‌های حمل و نقل عمومی، نظام گسترده و پرتراکم اداری و خدماتی، نظام درمانی و عرصه‌های مختلف نظام اقتصادی است و شهرهای هرچه بیشتر جهانی و پیشرو در توسعه، نقش میزبانی بهتری را برای آن بازی می‌کنند.

در واقع شیوع ویروس کرونا، پرسش‌ها و چالش‌های جدیدی را در جهان مطرح کرد و جوامع را با ابعاد جدیدی از بحران‌های شهری و تأثیرات آداب شهرنشینی آشنا نمود. ویروس کرونا را چه به لحاظ منشأ و چه در عرصه‌های انتشار باید بحرانی زاینده نظام‌های شهری نوین نامید؛ زیرا مستقیماً با ابزار مختلف ارتباط جهانی و روابط اجتماعی منتشر و شیوع یافته و شهرها را به چالش با اصلی‌ترین رکن سازنده خود یعنی جامعه شهری و شهروندی فراخوانده است. آنچه از این بحران جهانی به عنوان میراث برجای خواهد ماند، درس‌آموزهایی برای پایداری و تاب‌آوری جوامع شهری و مذاقه‌ای در روابط میان فضای اجتماعی و نظام قدرت در بستر کالبدی و عملکردی شهرها خواهد بود؛ فرصتی که از قیاس رویکردها و اقدامات نظام‌های قدرت و حکمروایی شهری مختلف در بحرانی جهانی به دست داده و هرچه بیشتر بر لزوم اقدامات محلی و محله‌ای مدیریت شهرها صحه خواهد گذاشت.

اما بحران کرونا چنان که پیشتر بیان شد، واجد تفاوت‌های بنیادین با دیگر بحران‌ها نیز هست. این بحران را به لحاظ علت و با توجه به ابهام در منشأ شیوع و نقش سیاست، ابزار و اقدامات انسانی در انتشار می‌توان هم در زمره بحران‌های طبیعی و هم بحران‌های مصنوعی قرار داد. با مراجعه به جدول ۱ به روشنی می‌توان ترکیب علت‌ها، مقصران، وسعت و تأثیرات ناشی از بحران‌های طبیعی و مصنوعی را دربارہ بحران کرونا مشاهده کرد. همچنین باید این بحران و عواقب منبث از روش‌ها و سیاست‌های پیشگیری و مقابله با آن همچون قرنطینه و محدودیت‌های ناشی از فاصله‌گذاری اجتماعی را از نظر ماهیت به لحاظ تأثیراتی چون از دست دادن پایگاه اجتماعی، شغل و جایگاه شغلی، مایملک یا یک شخص عزیز، در زمره بحران‌های وضعی و به سبب تعارض فرد در زمینه مسائل مهم انسانی همچون هدف، مسئولیت فردی و اجتماعی، آزادی و تعهد که منجر به احساس زدگی، بی‌هدفی، یأس و ازهم گسیختگی می‌گردد، بحرانی آگزستانسیال برشمرد.

از دیگر مسائل مهم و وجه افتراق در عواقب حین و پس از بحران کرونا با دیگر انواع بحران‌ها باید به بررسی تأثیرات استرس و تنش ناشی از آن بر جوامع اشاره کرد. اثرات این بحران به روشنی به لحاظ تأثیر روان‌شناختی به دلیل آسیب‌های بدنی و احتمال وقوع مرگ، فشار روانی شدید به دلیل عدم نقش و کنترل بر آن

و فشار روانی ناشی از ترس و اضطراب مرگ و جدایی از خانواده می‌تواند باعث اضطراب و افسردگی و خشم توأم با تنفر گردد. این اثرات، ترکیبی از انواع اثرات ناشی از سوانح، بلایای طبیعی و جنگ است؛ جنگ جوامع شهری با ساختارها و روابط سازنده آن در عرصه شهرها.

آنچه امروز دامنگیر شهرها در مبارزه با شیوع ویروس کرونا گشته است، تعارض میان منافع اقدامات پیشگیرانه با ارکان حیات و سازنده شهرهاست، چنان که اگر این شهرها اقدام به توقف فعالیت این سازوکارهای درگیر در شیوع بیماری کرونا با محدود ساختن حضور جامعه شهری نمایند، عملاً شهر مفهوم و حیات خود را از دست می‌دهد؛ کشاکشی میان حفظ حیات جامعه شهری و حیات ماهوی و کارکردی آن. در واقع تفاوت میان شهرها و نظام‌های حکمروایی، نه در کثرت قربانیان و نرخ ابتلای کشورها، که به لحاظ اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های مقابله و حمایت اجتماعی و اقتصادی و انعطاف و کارآمدی نظام مدیریت شهری و شهروندی در حفظ همزمان حیات شهر و جامعه شهری حین و پس از این بحران خواهد بود. مصادیق متعدد این تعارض را می‌توان در روش، پذیرش و زمان اعلام شیوع کرونا توسط دولت‌ها و واکنش مدیریت شهرها، نظام حکمروایی شهری و ذی‌نفعان مشاهده نمود؛ نمونه‌هایی چون مقاومت شهرهای مذهبی در تحدید فعالیت مراکز مذهبی - به عنوان رکن اصلی و وجودی شهر - یا تسامح در محدود کردن سفر به نقاط گردشگری که هر کدام باعث شیوع بیشتر این بیماری در شهرهای مختلف شده است. این نوع رفتار، نمودهای مشابه جهانی نیز داشته و دولت‌مردان و اصحاب قدرت را در یک مکانیسم دفاعی وارد مجادله مقصریابی، کتمان واقعیات و پنهان‌کاری در ارائه آمار نموده است.

نظام مدیریت شهری و شهروندی در ایران

نظام مدیریت و حکمروایی شهری در شهرداری و شورای اسلامی شهر، دو رکن اصلی مدیریت شهری در ایران هستند. با این حال به جز این دو که وظیفه اصلی و قانونی آنها، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تمشیت امور شهری است، نهادهای دیگری وجود دارد که در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی عمل نموده، وظایف و عملکرد آنها در ارتباط با شهر و مدیریت شهری است و لزوماً هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای شهر و حتی اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها باید به برنامه‌ها، طرح‌ها و حوزه عملکرد این نهادها توجه داشت. وظایف مدیریت شهری در ایران عبارت است از: الف) آماده‌سازی زیرساخت‌های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها، ب) آماده‌سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی، بهره‌وری و بهبود استانداردهای

زندگی شهری، ج) تنظیم فعالیت‌های تأثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت، سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری، د) آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد و عملیات کارآمد مؤسسه‌های خصوصی در نواحی شهری (عدالتخواه و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۳). اما در نظام شهری ایران نمی‌توان برای شهرها و حتی محلات مختلف بر اساس یک ایده کلی و بدون توجه به ماهیت و نقش‌های اجتماعی‌شان، تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری نمود.

مدیریت شهری به معنای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و ایجاد انگیزش است. اگر شهر به مثابه یک سازمان قلمداد گردد، لازم است که در رأس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده گردد که مدیریت شهری نام دارد. مدیریت شهری باید برای شهر، برنامه‌ریزی‌هایی را به انجام برساند، فعالیت‌های شهری را سازمان دهد و بر فعالیت‌های انجام‌شده نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش ایجاد نماید (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۲۰). انجام چنین مواردی به آگاهی از اصول مدیریت، برنامه‌ریزی، ارتباطات، انگیزش، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل بازمی‌گردد (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۹). روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره‌کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد. مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیر رسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند (عدالت‌خواه، ۱۳۸۸: ۱۰۴). مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۲۱).

ساختار تاریخی و سنتی شهرهای ایران به‌ویژه در دوران اسلامی علاوه بر ویژگی‌ها و عناصر سازنده و ویژه خود، به دلیل همزمانی روند توسعه کالبدی با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌اش تا زمان معاصر، واجد پویایی و سرزندگی ویژه‌ای به‌ویژه در محلات که دارای ریشه‌های قومی و مذهبی قدرتمند و تعیین‌کننده بوده‌اند و توسعه‌ای هم‌راستا، هم‌زمان و متعادل با پتانسیل‌ها و نیازهای ساکنان و دولت‌ها داشته است. هر چند همواره تغییر در مراکز قدرت و حوادث و بلایا و متعاقب آن مهاجرت‌ها و منابع و قدرت‌های وارد بر شهرها، موجودیت و رونق آنها را تهدید یا تشویق می‌کرده است، پایداری ساختارها و تبعیت روند شکل‌گیری محلات و عناصر تشکیل‌دهنده شهر از فرهنگی مکانی - زمانی، متعلق

به ساکنان شهر و البته در ارتباط با قومیت‌ها، فرقه‌ها و روستاهای مرتبط با آن و سرعت متعادل و متناسب تحولات با روند تغییرات - چه کالبدی و چه اقتصادی و چه اجتماعی و فرهنگی - سبب پدید آمدن توسعه‌ای پایدار در سطح محلات و در نهایت شهرها و البته با توجه به مقیاس و جایگاه شهر در نظام اداری حاکم می‌گشت (حائری، ۱۳۹۳: ۴۸).

پس در نگاه ساختاری به مدیریت شهری به‌ویژه در شهر تهران، بحث و پرسش محوری این است که عناصر اصلی ساختار قدرت و مدیریت شهری کدامند؟ پایگاه اجتماعی این عناصر چیست و چگونه مشروعیت یافته‌اند؟ منافع کدام گروه‌های اجتماعی و اقتصادی را نمایندگی می‌کنند؟ و در ساختار موجود، چه چیز را چه زمانی و چگونه به دست می‌آورند؟ (هال، ۱۳۸۱: ۱۷). پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند نظام مدیریت شهری را به مدل‌هایی کارا تر در مواجهه با بحران‌هایی چون کرونا رهنمون سازد و زمینه واکنش و مدیریت رفتارها و اقدامات زمان بحران را با تقویت مشارکت، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دست شهروندان و در یک فرآیند پایین به بالا قرار دهد.

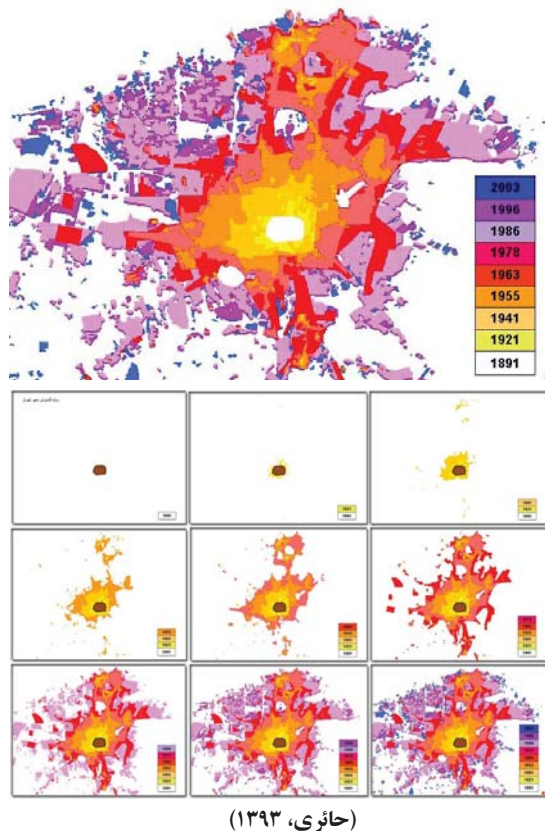
ساختار محلات شهر تهران

در نظام سنتی شهرهای ایران، نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی عناصر و بخش‌های مهم شهر و رابطه آنها با یکدیگر تحت تأثیر عوامل متعددی مانند عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی - اجتماعی، عوامل اداری - نظامی و همچنین خصوصیات و نیازهای فضایی و رابطه آنها با سایر فعالیت‌ها قرار داشته است. ساخت هر شهر از یکسو بیانگر هماهنگی فضای کالبدی شهر با شرایط و عوامل مزبور و از سوی دیگر گویای چگونگی جریان فعالیت‌های اصلی شهر است (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

اما در روند تحولات دوران صنعتی و مدرن و اثرات منعکس شده آن در معماری و شهرسازی ایران و به‌ویژه شهر تهران که به عنوان پایتخت معاصر ایران در خلال فرآیندهای شتابان قرن حاضر، مراحل توسعه و بلوغ خود را نیز سپری می‌نمود، سرعت تغییرات به مراتب بیشتر از سرعت انطباق فرهنگی و اجتماعی ساکنان شهر بوده و ساختارها به سرعت در حال تکامل و تغییر و ارجاع به دلالت‌ها و معانی جدید بوده‌اند. همین مطلب سبب تغییر چهره و فرهنگ ساکنان و تولید معانی و ارزش‌های جدید برای پهنه‌هایی بود که زمانی هویت فرهنگی شهر را تعریف می‌کردند (شکل ۲).

در این روند، شکل‌گیری محله‌هایی نو، توسط مردم جذب شده به پایتخت و البته مبتنی بر عوامل فرهنگی و مکانی مبدأ آنها صورت پذیرفت. بر همین اساس الزامات

شکل ۲- نقشه گسترش شهر تهران



زیستی و اقتصادی ساخت، رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفته و کم کم طی مراحل این مناطق حاشیه‌ای که بخشی از نظام سنتی شهرهای ایران بوده‌اند، جزئی از شهر و سیستم اداری و حکومتی آن شدند.

در واقع هسته مرکزی نه چندان بزرگ شهر که پیش از این یکپارچه و مبتنی بر معادلات اجتماعی پیوسته‌ای بود و نسبت به دیگر شهرهای بزرگ ایران که به واسطه اهمیت حکومتی و اداری‌شان، پس از سال‌ها پذیرای فرهنگ‌های متنوع و گوناگون در سامان‌دهی و تشکیل محلاتشان بودند، یکباره و با مهاجرت کثیری

از فرهنگ‌ها و قومیت‌هایی تشکیل و به صورت ناهمگون در محلات جمع گشته بودند و هویت و فرهنگی متمایز از رویه رایج در ایران را معرفی می‌نمودند. در عوض این مناطق که در زمان عمرشان در خدمت ساکنان جدیدشان بودند، متناسب با زمان شروع تحولات جهان نوبی پیش رویشان، تا حدودی متناسب با پیشرفت‌ها و نیازهای رایج پیش رفته و همین امر در حال حاضر بستری مطلوب‌تر نسبت به محلات قدیمی‌تر به منظور نوسازی، بازسازی و توسعه و توانمندسازی محله فراهم ساخته است (حائری، ۱۳۹۳: ۵۰).

نوع ارتباط عناصر سازنده شهر و نحوه تعاملشان با محلات و همچنین جایگاه معنایی و ارزشی محلات، ناشی از نحوه معیشت و تمکن، جایگاه اجتماعی، فرقه‌ای و قومیتی و... است که بقا و توسعه محلات را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به سبب شکل‌گیری همین ساختار معنایی درباره محلات است که هر یک از این مناطق به عنوان نشانه از مدل‌ولی

اقدامات محلی در بحران‌های جهانی؛ حق بر شهر و نقش مراکز حمایت اجتماعی و مدیریت بحران محلات در مقابله با شیوع بیماری کرونا (شهر تهران)

خاص شناخته می‌شود (حائری، ۱۳۹۷: ۵۹). این نوع تصویر به قول بارت، معناهای اسطوره‌ای، دارای یک تأثیر وحدت‌بخش اجتماعی نیز هستند. درست همان‌طور که معنا در لانگ (زبان) جنبه اجتماعی دارد (هارلند، ۱۳۸۸: ۶۷). اینگونه تعابیر و معانی درباره ماهیت اجتماعی و فرهنگی محلات نیز وجود دارد و اغلب یک منظر اجتماعی مبتنی بر وحدت نگرش بر حوزه‌های مفهومی متصل و منفصل را سبب شده است. شاید یکی از مهم‌ترین اقدامات در راه حمایت اجتماعی از این مناطق، تغییر در اینگونه نگرش و تغییر این اسطوره‌هاست؛ چون هاله‌ها و ایده‌ها ممکن است پیشاپیش تعیین‌کننده حتی بلافصل‌ترین علایقمان باشد. در حقیقت باید کار کرد و معنای محلات در قالب شهر به عنوان کلیت و روابطش با اجزای اجتماعی آن سنجیده شود.

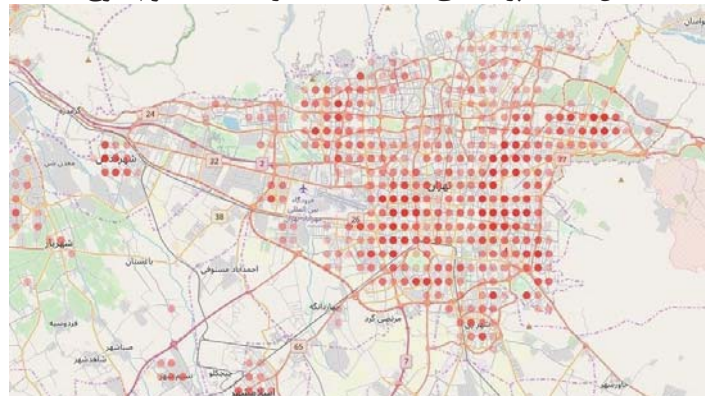
بحران کرونا در ساختارهای شهر تهران

شهر تهران به لحاظ اهمیت و جایگاه، نقش بسزایی در عرصه سرزمینی ایران داشته، عملاً پاشنه آشیل نظام سیاسی و اقتصادی آن به حساب می‌آید. در بحران شیوع بیماری کرونا نیز هر چند نقطه شروع و شیوع این ویروس شهر قم معرفی شد، افزایش نرخ ابتلا و شمار قربانیان در شهر تهران دور از ذهن نبود. همچنین حجم مبادلات انسانی و غیر انسانی این شهر با نقاط مختلف ایران به لحاظ تنوع زیستی و خدماتی از یکسو و فرهنگ سفر، رجعت به موطن و گذران تعطیلات شهروندان تهرانی از سوی دیگر، در انتشار هر چه بیشتر این ویروس، تأثیر چشمگیری داشته است.

همچنین توسعه نامتوازن شهر تهران نسبت به دیگر شهرها، چه از نظر وسعت و جمعیت و چه از نظر خدمات و امکانات، لزوم به کارگیری سیاست‌های ویژه برای کنترل بیماری در آن را دوچندان می‌سازد. هر چند آمار رسمی نرخ ابتلا و شمار قربانیان کرونا در ایران و شهر تهران نسبت به دیگر کشورها و شهرهای بزرگ جهان قابل تأمل است، نباید فراموش کرد که عرصه ابتلا و شیوع این بیماری در تمام این عرصه‌های شهری مشترک است و باید رشد شمار قربانیان و مبتلایان در کشورهایی چون آمریکا، انگلستان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و شهرهایی چون نیویورک، لندن، پاریس، رم و... نسبت به ایران و شهر تهران را نه در ضعف نظام و زیرساخت‌های شهری آنان که اتفاقاً در توسعه ارکان شهری بستر شیوع کرونا دانست؛ ارکانی که فارغ از این بحران از مؤلفه‌های توسعه شهری بوده و هستند. از جمله این ساختارها می‌توان به سیستم حمل‌ونقل عمومی یا تراکم و رونق سیستم‌های اداری، بازرگانی و خدماتی که از مصادیق تعاملات فردی و اجتماعی و به تبع آن شیوع بیماری کروناست، اشاره نمود.

نرخ ابتلا به ویروس کرونا در شهری چون تهران به روشنی دلالت بر اهمیت رویکردهای مقابله‌ای و پیشگیرانه در مقیاس محلی دارد. این نرخ ابتلا در شهر تهران با گذشت بیش از پنجاه روز نه تنها قابل کنترل نبوده، بلکه با وجود تمرکز منابع و امکانات، رو به افزایش گذاشته است و به گفته فرمانده ستاد مبارزه با کرونای استان تهران، در حالی که با شروع این بیماری چند منطقه در شهر تهران درگیر بوده‌اند، در حال حاضر تمام شهر آلوده شده است. نگاهی به نقشه پراکندگی مبتلایان در شهر تهران - که وزارت ارتباطات تهیه کرده است - نیز حکایت از عدم شناخت ماهیت اجتماعی و رفتاری شهروندان تهرانی دارد و هرچه بیشتر لزوم یک اقدام پیوسته در مقیاس محلی را روشن می‌کند (شکل ۳).

شکل ۳- نقشه پراکندگی مبتلایان بیماری کرونا در هفته سوم شیوع



(سایت خبرگزاری صدا و سیما، اسفند ۱۳۹۸)

درصد میزان مبتلایان و قربانیان کرونا در شهر تهران شامل ۳۰ درصد مجموع آن در کشور است، در حالی که تفکیک عرصه‌های ابتلا به این ویروس شامل حدود ۲۹ درصد در اثر استفاده از حمل و نقل عمومی و ۳۰ درصد در تماس با فضاها، بیمارستانی و سپس مبادلات بانکی اقتصادی و مالی اعلام شده است. اهمیت این موضوع در حجم استفاده از حمل و نقل عمومی در شهر تهران و وسعت پخشایش آن در سطح شهر است. طبق آمار شورای شهر و شهرداری تهران (به نقل از سخنگوی شورای شهر)، پیش از شیوع کرونا، سهم مترو تهران از حجم جابه‌جایی مسافر بیش از ۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر و سهم سیستم اتوبوس‌رانی حدود ۲/۱۰۰/۰۰۰ نفر مسافر بوده است. این تعداد با احتساب شبکه تاکسیرانی و تاکسی‌های اینترنتی تا ۴/۵۰۰/۰۰۰ سفر قابل پیش‌بینی است. این حجم از تردد در داخل شهر تهران و شهرهای اطراف آن و عبور آن از مناطق و محلات مختلف شهر تهران در کنار

تمرکز مراکز و تجهیزات درمانی در این شهر، خود از عوامل شیوع هر چه بیشتر بیماری کرونا در آن و پیچیده‌تر شدن مقابله با آن خواهد بود.

درباره اهمیت شهر تهران و پیچیدگی‌های موجود در مبارزه با شیوع ویروس کرونا باید به نقش سیاسی و اقتصادی آن در نظام شهری ایران نیز اشاره کرد. حساسیت این شهر به لحاظ ارکان عریض و طویل دولت، وزارت‌خانه‌ها، مجلس، احزاب و رجال، بازار و نقش توزیع و مبادله در مقیاس ملی بسیار بیشتر بوده، اما خود مانعی در تحقق برنامه‌های مقابله‌ای چون قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی و هوشمند بوده و امکان تعطیلی سراسری مشاغل تا قطع زنجیره ابتلا را بعید و دور از دسترس می‌نمایاند.

شهر تهران در حال حاضر ۸۶۹۳۷۰۶ جمعیت و ۷۵۱ کیلومتر مربع وسعت دارد. این در حالی است که تراکم جمعیت در آن از ۲۷ نفر در هکتار (در منطقه ۲۲) تا ۴۰۰ نفر در هکتار (در منطقه ۱۰) متغیر است. اهمیت و پیچیدگی اقدامات حمایتگر در بحران‌ها برای این شهر از آن جهت مشخص می‌شود که بدانیم میانگین جمعیت محلات شهر تهران ۲۵۰۰۰ نفر و تقریباً ۹۰۰ شهر از ۱۲۴۳ شهر مصوب ایران پایین‌تر از این میانگین جمعیت دارند. همچنین مجموع جمعیت کلان‌شهرهای ایران ۱۷ میلیون نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). مدیریت این وسعت و جمعیت به شکل کلان، مشابه صادر کردن حکمی کلی برای بیش از دویست شهر با ویژگی‌های متفاوت اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و اقتصادی است. این تنوع در کنار مراکز و ادارات دولتی، نهادهای سیاسی و حکومتی، بستری از فرصت‌ها و چالش‌های مواجهه با بحران‌ها را پدید آورده و خود به لحاظ تنوعات و تکثرهای اجتماعی می‌تواند یک بحران تلقی گردد. پس توجه به این کلان‌شهر در بحران‌ها با وجود تفاوت‌های ذاتی هر شهر و منطقه می‌تواند به عنوان الگویی از مدیریت بحران به کار رود.

باید دید در مقابله با بحران شیوع ویروس کرونا، نظام حکمروایی شهری تهران می‌تواند به تعامل با نظام قدرت و جلب اعتماد و مشارکت نظام اجتماعی دست یابد، یا همچنان جایگاه خود را در سهم ابتلا به کرونا حفظ می‌نماید. این بزنگاه می‌تواند و باید بر بازآفرینی نقش و کارکرد اقدامات عملی در محله‌های شهر تهران برای مقابله با بحران‌های پیش‌رو تمرکز و اقدام نماید.

کرونا و مفهوم حق بر شهر^۱ در گذار از بحران

مفهوم حق را می‌توان در حوزه‌های گوناگون دنبال نمود. اما آنچه درباره مرجع مطالبه «حق بر شهر» در یک ساختار اجتماعی تعیین‌کننده است، تلقی عمومی

1- The right to the city

از مفهوم «حق» در آن ساختار و ارتباط آن با دیگر ساختارهای رفتاری و فرهنگی مختص آن جامعه است. در برقراری گفتمان حق بر شهر نیز بایستی وجود چنین اختلافی را در ساختارهای معنایی ایجاب حق به رسمیت شناخت و در تبدیل گفتمانی جهانی به گفتمانی محلی بدان توجه نمود.

در واقع مفهوم «حق» متبادر در موضوع «حق بر شهر» به طور اخص، نشأت گرفته از رویکردهای فلسفی هگلی، مارکسی و نظرهای گرامشی و دیگران بوده و بر اساس قبول شهری با ساختار اجتماعی و سیاسی اروپای قرن بیستم بنا شده است؛ شهری که رابطه شهر و ساختار حیات شهری آن با ساختار حکمروایی آن در ارتباطی لازم و ملزوم تجلی می‌کند. این در حالی است که مذاقه در مفهوم «حق» در حوزه سرزمینی ایران، مؤید دو نکته است: اول آنکه مفهوم حق در یک نظام اعتقادی و مذهبی، چهارچوب پذیر گشته و حتی در روابط سیاسی و اقتصادی نیز خودنمایی می‌کند و دوم آنکه رابطه موجود میان ساختار حکمروایی و حیات شهری با شهروندان، لااقل تا پیش از قرن اخیر، دارای رابطه‌ای لازم و ملزوم نبوده و بیش از آنکه حیات یک شهر معطوف به جامعه شهری آن باشد، تحت تأثیر نظام قدرت سیاسی بوده و ساختار ارباب و رعیتی بر این فاصله دامن می‌زده است. از همین روی تبیین مفهوم حق بر شهر و یا اساساً حق، در چنین شرایطی فاقد مرجعی مشروع به نظر می‌رسیده است. حال باید دید طرح گفتمان «حق بر شهر» در جامعه شهری ایران با چنین زمینه تاریخی و فرهنگی در حوزه سرزمینی اش تا چه میزان و تا چه سطحی امکان تجلی خواهد داشت (حائری، ۱۳۹۴: ۱۸۱).

مبنای این استعمال «حق بر شهر» و عمومی شدن مطالبه آن (چه در زمان وقوع بحران‌هایی چون کرونا و چه پس از آن)، علاوه بر ایجاد زمینه‌های مشارکت شهروندی، بستر تحقق توسعه پایدار و شهروندگرا را نیز فراهم می‌سازد. در حقیقت نوع خاص توسعه شهری و سامان‌دهی فضا - مکانی که بر این اساس در حال وقوع است، تجربه زیستی ما را شکل داده و موقعیت اجتماعی ما را - اعم از جنسیتی و طبقاتی - تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ تجربه زیسته‌ای که مواجهه با بحران‌هایی چون کرونا بر روابط اجتماعی، شیوه زندگی، تراکم و توزیع فضا، اخلاق و مناسبات و تعاملات اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. اهمیت توجه به مسئله حق در سازمان‌دهی روابط اجتماعی و رابطه شهر و حوزه‌های پیرامونی آن، با جامعه مدنی و ساختار زندگی روزمره سازنده آن، از آن حیث دوچندان می‌گردد که بدانیم الگویی که ما از شهر مطلوبمان مدنظر داریم، به شکلی بلافصل با نوع روابط اجتماعی - اعم از جنسیتی و طبقاتی - ارتباط با طبیعت، شیوه زندگی و ارزش‌هایی که خواستار آنیم در ارتباط است (هاروی و مری فیلد، ۱۳۹۱: ۱۴).

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، بحران ممکن است علاوه بر عوارض فرسایشی و آسیب‌های فردی و اجتماعی، مبتلایان را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد و نقطه رشد قابل توجهی را به همراه داشته باشد و افراد جامعه را آماده رسیدن به مراحل بالاتر خودشکوفایی و تغییر نماید. از این حیث ساختارهای معطوف به مفاهیم و روابط شهروندان با نظام‌های قدرت (چه نظام حکمروایی و چه نظام مدیریت شهری) نیز می‌تواند مورد بازبینی جامعه قرار گیرد و به چالش درآید. این مهم به‌ویژه در مفاهیم نوپایی چون حق بر شهر برای جامعه در حال گذار (۱) شهرهای ایران می‌تواند در درک وظایف متقابل و میزان حمایت، پاسخگویی و کارآمدی نظام‌های متولی در کشاکش بحران‌ها و تحقق آگاهانه مفاهیم شهروندی، مطالبه‌گری پس از عبور از بحران باشد. در نتیجه آینده روابط شهرها و شهروندانشان (و جامعه ایران با دولت و نظام سیاسی) را باید منبعث از اقدامات و واکنش‌های نظام حکمروایی ملی و شهری در این آزمون، میزان وقوف جامعه شهری ایران از حقوق و وظایف خود و لمس تأثیرات ناشی از تساهل و تسامح انتخاب‌ها و انفعالات گذشته نسبت به سیاست‌ها، برنامه‌ها و تصمیم‌های امور جزئی و کلی حادث، مبتنی بر منافع فردی و نه منفعت جمعی و عمومی دانست.

کرونا و مفاهیم جدید در عرصه حق بر شهر

شیوع بحران و جهانی شدن ویروس کرونا، کاربست‌های جدیدی پیش روی شهرها و دولت‌های درگیر با این بیماری قرار داده است. لزوم فاصله‌گذاری، محدود کردن روابط و در نهایت قرنطینه شهرها، ماهیت مشاغل و روابط میان فردی و اجتماعی را به سمت بهره‌گیری از فضای مجازی سوق داده است. نیازهای جدید، نحوه زندگی نویی را پدید آورده و اینک خانه از تقید مکان رها شده است. دنیای مجازی پای به خانه گذاشته است. حال خانه، مدرسه است، کارخانه است، کارگاه است، اداره است و البته محل استراحت و تعامل خانواده است. در این محیط، امکان برقراری عدالت و داشتن رفاه بیشتر، حداقل به صورت مجازی برای همه فراهم می‌شود (جلالی، ۱۳۸۲: ۲۳). در این عصر همچنین تغییرات اساسی در رفتار و اخلاق بشر به وجود خواهد آمد و جوّ معنویت، جوّ غالب بر جوامع خواهد بود. مردم در جهان مجازی، فرصت شناخت بهتری از جهان و فلسفه وجودی انسان خواهند داشت و با شکل بهتری، تربیت خواهند شد. چون از نظر تئوری در عصر مجازی، مشکلات معیشتی و تهیه ابزار کار و دسترسی به دانش و اطلاعات وجود ندارد. شرایط برای توجه بیشتر به مسائل معنوی و مذهب افزایش خواهد یافت

(جلالی، ۱۳۸۲: ۴۸). به راستی باید بسط فضای ارتباطی و اطلاعاتی و تحدید فضای کالبدی ناشی از سیاست‌های مقابله و پیشگیری از شیوع بیماری کرونا را فرصتی در بازمینی مبانی روابط شهری و شهروندی به حساب آورد و از آن علاوه بر ابزار توسعه اجتماعی، برای کاهش و کنترل اثرات پس از بحران کرونا بهره گرفت. دهه‌های اخیر انسان نه تنها پای در دهکده جهانی گذاشته، بلکه خود نیز در اثر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، به یکی از ارسال‌کنندگان پیام تبدیل شده است. وی هم گیرنده پیام و هم فرستنده پیام است. همچنین با تحول در عصر ارتباطات در موج سوم، تحول در نظام کار پیش‌بینی شده بود، اما با پای گذاشتن در دنیای مجازی و عصر آگاهی، این امر هرچه بهتر و سریع‌تر تحقق یافته و دیگر زمان و مکان برای کار بی‌معنا شده است. در اینجا است که خانه به عنوان محلی برای زندگی، کاشانه به عنوان محلی برای آرامش و کلبه الکترونیک به عنوان محلی برای کار مطرح می‌شود (حائری، ۱۳۸۸: ۲۸). چنین پدیده‌ای با وجود ظرفیت ذاتی و پیشرو خود در زمان بروز بحران‌هایی چون شیوع بیماری کرونا به دلیل گستردگی جهان شایعات و عواقب ناشی از آن ممکن است سبب تشدید بحران‌های فردی و اجتماعی نیز گردد. در واقع پذیرش دسترسی به جهان ارتباطات و اطلاعات به عنوان یک حق در دیالکتیک با وظایف و مسئولیت‌های شهروندی قابل بازشناسی است؛ زیرا تغییر و جابه‌جایی ارزش‌ها، اکنون از تمام ادوار تاریخ سریع‌تر شده است. در گذشته، کسی که در جامعه‌ای می‌زیست، می‌توانست انتظار آن را داشته باشد که نظام ارزشی مورد پذیرش آن جامعه در سراسر طول حیات وی بدون تغییر باقی بماند. ولی امروز شاید به جز در منزوی‌ترین جوامع ماقبل فناوری، در هیچ کجای دیگر نمی‌توان چنین انتظاراتی داشت (تافلر، ۱۳۸۶: ۲۱۵) و جامعه همواره خود در بحرانی از تغییر ارزش‌ها و راستی‌آزمایی اطلاعات منتشر شده به سر خواهد برد که مصادیق آن در بحران کرونا به وفور دیده می‌شود.

جهان جدید - موج چهارم، جهان مجازی - و همچنین عصر آگاهی، با دوسویه کردن ارتباط جهانی، پای در بخش جدیدی از تعاملات می‌گذارد. اگر در موج دوم و حتی موج سوم، کسانی که شرایط گفتمان را تعریف می‌کردند - حاکمان - تعیین‌کننده روند جریان آینده امور بودند (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۸۳)، در موج چهارم و جهان جدید ارتباطی، این افراد جامعه هستند که به دنبال زبان گفتمانی مناسب می‌گردند و پای به عرصه دهکده جدید جهانی می‌گذارند. آنگونه که مک‌لوهان معتقد بود که رسانه‌های جدید باعث به وجود آمدن پدیده جهش اطلاعات خواهند شد و می‌گفت اطلاعاتی که انسان‌ها نیاز خواهند داشت، از

چهار گوشه جهان و با سرعت فراوان در اختیارشان قرار خواهد گرفت. به این ترتیب جهان بزرگ روزه‌روز کوچک‌تر و انسان‌ها چه بخواهند و چه نخواهند، گویی در یک قبیله جهانی و یا یک دهکده بزرگ زندگی می‌کنند. چنین وضعیتی را امکانات الکترونیک فراهم خواهد کرد (محسنیان راد، ۱۳۸۷: ۳۲).

بهره‌گیری نظام مدیریت شهری از فضای مجازی برای پیشبرد امور و حرکت هرچه بیشتر مشاغل به سمت این نوع از روابط به منظور فرار از رکود ناشی از شیوع ویروس کرونا و محدودیت‌های متأثر از آن، این زیرساخت را به یکی از ارکان و ساختارهای نظام شهر و شهروندی بدل ساخته است. شهروندان امروز شهرها به موضوع دسترسی آزاد به اطلاعات و زیرساخت‌های ارتباطی به عنوان یک نیاز و یکی از حقوق اساسی خود می‌نگرند. شاید باید چنین گفت که امروز حق بر شهر به ماهیتی فراتر از تأمین نیازهای شهری بدل شده و پای به عرصه آگاهی گذاشته است. در واقع با شیوع بحران کرونا در جهان کارآمدی، گستردگی و همه‌گیر بودن سازوکارهای ارتباطی و مجازی را می‌توان میزان سنجش ظرفیت شهرها در تاب‌آوری و مقابله با بحران به شمار آورد؛ مفاهیمی جدید که در قالب حق بر شهر توسط شهروند عصر آگاهی مورد مطالبه قرار خواهد گرفت، زیرا در مقابله با شیوع بحران کرونا به عنوان یک بحران شهری، ابزاری مؤثرتر از آگاهی و عمل به مسئولیت اجتماعی نمی‌توان یافت.

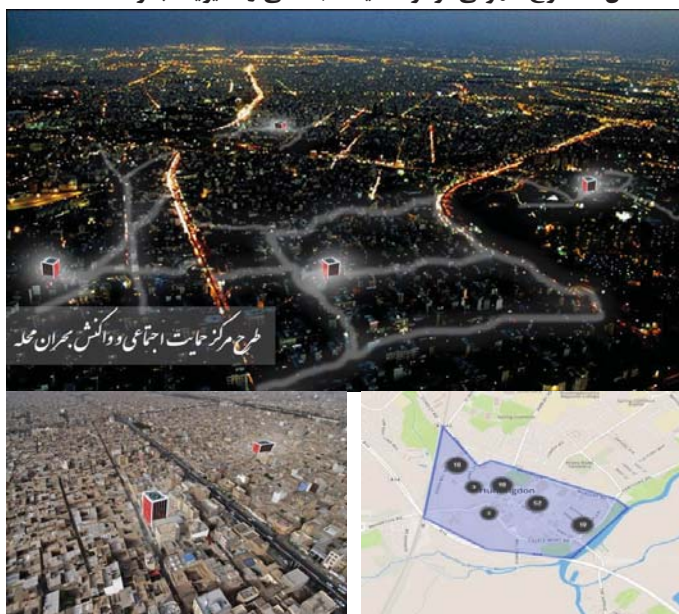
مرکز حمایت اجتماعی محلات، تحقق ظرفیت محلی در واکنش به بحران‌ها

توجه به لزوم اقدام در مقیاس محله به یکی از سیاست‌های شورای پنجم اسلامی شهر تهران بدل شده است، تا جایی که اختصاص بودجه برای پیشبرد طرح مراکز محله و توجه به راهبردهای پیاده‌مداری در صحن علنی مطرح و گام‌های عملیاتی آن برداشته شده است. با این حال با شروع بحران شیوع ویروس کرونا در شهر تهران، اقدامات مدیریت شهری در مقیاس منطقه و اساساً شورای شهر و شهرداری، نقش کم‌رنگی در سیاست‌گذاری‌های ستاد استانی مبارزه با ویروس کرونا ایفا نموده و نهادهای محلی نوپایی چون شورایی‌ها یا اسلاف قدیمی‌تر آن به عنوان سراهای محله، کارایی مناسب در مقابله و مدیریت بحران محلات نداشته‌اند. همچنین در بحران اخیر و دیگر بحران‌های ملی، ناکارآمدی سازمان‌های دولتی با مقیاس ملی چون سازمان پدافند غیرعامل و گروه‌ها و کارگروه‌های مدیریت بحران کاملاً مشهود بوده است.

این کمبود نظام یکپارچه مدیریت بحران‌ها به عنوان یک سازوکار اجرایی

پایین به بالا و مبتنی بر مشارکت جوامع محلی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و نیروی داوطلب انسانی، یکی از دلایل عمده شکست یا عدم تطابق سیاست‌ها و راهکارهای نظام حکمروایی شهری با واقعیات عینی، تنش‌ها و صدمات وارد شده ناشی از بحران‌های واقع شده از جمله شیوع ویروس کرونا در شهرها بوده است. اساساً مفهوم بانک اطلاعات شهروندان و تهیه داده‌های به‌روز آماری از شرایط زیستی و سلامت جامعه (در مقیاس محلات)، تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های محلی، شناخت ظرفیت‌ها و امکانات، آموزش و توانمندسازی جوامع محلی برای مواجهه با بحران‌های پیش‌رو، پیش‌بینی و عملیاتی نمودن سازوکارهای مالی و صندوق‌های دولتی و تعاونی جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده از بحران‌ها و حوادث (UNICEF, 2019) را از جمله موارد مغفول مانده در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه محله‌ای باید برشمرد.

شکل ۴- طرح مفهومی مرکز حمایت اجتماعی و مدیریت بحران محلات



در واقع بحران شیوع ویروس کرونا به‌ویژه در شهر تهران، حکایت از ناکارآمدی سیاست‌های محله‌ای در این شهر توسط مدیریت شهری دارد و به‌روشنی فاصله آن با گروه‌های اجتماعی محله‌ای را نمایان ساخته است. با این حال نباید فراموش کرد که موضوع شهر تهران و محلات آن با دیگر شهرها و محلات، تفاوت‌های ماهوی فراوان دارد. تعدد و نقش مختلف محلات، گستردگی شهر تهران و پیچیدگی

روابط اقتصادی جاری در آن، جابه‌جایی جمعیتی و وجود مناطق اداری، تجاری که با بارگذاری ارکان دولتی و روابط سیاسی معطوف بدان بر پیچیدگی مسائل پیش روی محلات افزوده است. در واقع محلات شهر تهران، نه در کالبد که بر اساس پیوندهای اجتماعی و عملکردی‌شان، قابلیت برنامه‌ریزی برای مواجهه با بحران‌ها را دارند و از همین روی پیشنهاد تمرکز سیاست‌های توسعه محله‌ای بر پی‌ریزی یک نهاد مشارکتی در حمایت اجتماعی و مدیریت بحران محلات می‌تواند به عنوان یک پایگاه اجتماعی در شناسایی ظرفیت‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، آموزش و توانمندسازی جوامع محلی و راهبری اقدامات در زمان بروز بحران‌ها مفید فایده باشد و با اقدامات پیش از بحران سبب جلب اعتماد عمومی و مشارکت مدنی ساکنان گردد.

بنیان این پیشنهاد مبتنی بر مکان‌یابی و استقرار یک نهاد مدنی در مرکز محله (مبتنی بر مؤلفه‌های ساختاری و رفتاری بازشناسی شده در محله) برای شناسایی ظرفیت‌های موجود در محله، چه از لحاظ مدنی و اجتماعی و چه زیرساختی و خدماتی، جمع‌آوری داده‌های اجتماعی و به‌روزرسانی آمار محلی و ارتقای توانمندی‌های جوامع محلی در کنار ارائه خدمات اجتماعی و روانی مناسب در زمان پیش از بحران‌هاست.

از لحاظ کالبدی و فضایی، این مرکز میدانگاهی متشکل از فضای باز و کالبد معماری است که در مقیاس‌های مختلف، نقش فضایی عمومی را برای محله و در مواردی نقش مرکز محله را بر عهده خواهد داشت. این مکان‌یابی چه به لحاظ پیوستگی یا ناپیوستگی فضایی بسته به ظرفیت‌ها و نیازهای محلات مختلف متفاوت بوده، اما به عنوان پایگاهی شناخته‌شده و مورد وثوق اهالی در رویدادها، حوادث و بحران‌ها، امکان راهبری و هدایت نیروهای عملیاتی، ارزیابی خسارات و تعیین اولویت‌های اقدام با توجه به آمار اجتماعی و گروه‌های آسیب‌پذیر را دارد و پس از حادثه یا بحران نیز مرکز اصلی امداد رسانی و بازسازی خدمات خواهد بود. این مجموعه برای اهالی قابل دسترس به صورت پیاده خواهد بود و در زمان نبود بحران یا حادثه به واسطه فعالیت شبانه‌روزی و ایمن‌سازی ساختارهای محلی منتهی به آن، امکان ارائه خدمات اجتماعی محلی، تأمین امنیت شبانه محله (مقیاسی محدود از زندگی شبانه) برای تردد گروه‌های آسیب‌پذیر و ارائه خدمات اضطراری درمانی، روانی و اجتماعی را برای آنها خواهد داشت.

نکته حائز اهمیت در مکان‌یابی و امکان‌سنجی این مراکز، ممکن نبودن تهیه نسخه‌ای فراگیر برای تمام محلات است؛ زیرا تعیین ویژگی‌ها و خدمات

و عملکرد آنچه به صورت مستقل و چه وابسته و حتی تعداد و فاصله آنها در محله یا محلات مجاور مبتنی بر نیازسنجی و شرایط منحصر به فرد هر محدوده متفاوت و در مطالعات اولیه روشن خواهد شد. به علاوه این مرکز به عنوان مرکز دریافت اقلام و کمک‌ها و پخش آن امکان کاربرد دارد. لزوم این امر با توجه به مقیاس کلان‌شهر تهران و هم‌جواری محلات با عرصه‌های گسترده شهری مشخص می‌شود. مقایسه نحوه امداد رسانی در شهرهای مختلف (مانند زلزله بم و سرپل ذهاب و...) که گاه از لحاظ وسعت و جمعیت در حد محلات یا ناحیه‌های شهر تهران هستند، حاکی از اهمیت وجود این مرکز است. به‌ویژه در محلات متراکم و مرکزی شهر تهران که معابر، امکان تردد و امداد رسانی به قلب محلات را ناممکن می‌سازد، وجود یک بنای مقاوم با امکان دسترسی و امداد رسانی هوایی یا زمینی با امکان دسترسی زمینی از آن به دیگر نقاط محله می‌تواند ابزاری مناسب در تسهیل اقدامات پس از حادثه و بحران بوده، اقدامات هدفمند و منطقه‌ای را ممکن سازد. باید توجه داشت که اساس سازوکار مراکز حمایت اجتماعی و مدیریت بحران در محلات، مشارکت ساکنان و جلب اعتماد عمومی است. این اعتمادسازی علاوه بر تقویت حس شهروندی و مسئولیت اجتماعی میان ساکنان می‌تواند به عنوان یک پایگاه حمایتی از تنش‌ها و استرس‌های ناشی از بحران‌ها بکاهد و مدیریت عواقب و اثرات روانی و اجتماعی را برای ساکنان ممکن سازد.

درباره شیوع ویروس کرونا نیز وجود چنین مراکزی علاوه بر بهره‌گیری از اطلاعات اجتماعی محلات و ایجاد امکان برنامه‌ریزی خرد و کلان می‌توانست بازیگری تعیین‌کننده در تأمین و اختصاص نیازهای خانوارها به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رفته باشد و وظیفه نظارت، پایش بیماران، آگاه‌سازی و آموزش ساکنان و اعمال محدودیت‌های آموشد به محله در تحقق سیاست فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه محلات آلوده یا پاک و دریافت و پخش اقلام حفاظتی، داروها و واکسن‌های احتمالی را متناسب با نیاز و ظرفیت محله برعهده گیرد (جدول ۲).

مجموع این وظایف و پتانسیل‌های معطوف به راه‌اندازی چنین نهادی در محلات با سازوکاری فعال، پیش، حین و پس از حوادث و بحران‌ها بدون تأمین منابع مالی پایدار جهت تأمین نیازها، جلب مشارکت، انجام اقدامات ترویجی، سنجش و پایش اطلاعات و داده‌ها و به خدمت گرفتن نیروهای محلی یا متخصص امکان‌پذیر نخواهد بود. لیکن نظام مدیریت شهری با سرمایه‌گذاری در اینگونه طرح‌ها، هزینه‌های بعدی ناشی از بحران‌ها و حوادث را پوشش خواهد داد. همچنین تخصیص ظرفیتی از

جدول ۲- وظایف و کارکردهای مراکز حمایت اجتماعی پیش، حین و پس از بحران

پس از بحران	حین بحران	پیش از بحران
- حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر از نظر اجتماعی و اقتصادی - تشکیل صندوق‌های حمایتی - ارائه خدمات اجتماعی و روانی به آسیب‌دیدگان - تأمین مایحتاج اولیه ساکنان و زیرساخت‌های لازم برای بازگشایی مشاغل - تأمین فضاهای پیش‌ران توسعه و کارآفرینی	- مدیریت بحران بر اساس شناخت اجتماعی و دقیق از وضعیت ساکنان - راهبری و هدایت نیروهای محلی - برآورد خسارت‌ها و آسیب‌های وارده - تأمین و توزیع ملزومات اولیه با توجه به اولویت گروه‌های حساس و آسیب‌پذیر - تأمین نیازهای ارتباطی و اطلاعاتی چون اینترنت و ارزیابی صحت اخبار - به کارگیری و پشتیبانی از شبکه‌های اجتماعی در مقیاس محلی - اجرایی کردن طرح‌های قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی در مقیاس محله - توزیع اقلام ضروری و پشتیبانی از گروه‌های آسیب‌پذیر - ارائه خدمات اولیه در شناسایی و درمان - به کارگیری ظرفیت‌های درمانی محلی - شناسایی بیماران یا موارد مشکوک - پاک‌سازی عرصه‌های مشکوک به آلودگی - تأمین زیرساخت امداد هوایی و زمینی	- جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های زیستی و جمعیتی محله - بررسی ظرفیت‌ها و امکانات زیرساختی و درمانی محله - تأمین فضای تعامل محله به عنوان یک مرکز محله فعال - تقویت و ایمن‌سازی ساختارهای محلی - برگزاری برنامه‌های ترویجی و آگاهی‌بخشی ساکنان - ایجاد ارتباط با محلات هم‌جوار برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌محله‌ای - آموزش در مقیاس محلی و تعیین مسئولیت‌ها برای زمان بحران - ارائه مشاوره‌های روانی و اجتماعی برای توانمندسازی جوامع محلی - شناسایی تهدیدهای کالبدی و اجتماعی در محله - تبیین سازوکارهای مالی حمایتی برای زمان بحران‌ها - تأمین امنیت روانی و اجتماعی ساکنان - تأمین امنیت محلی و شبانه ساکنان (تحقق مقیاس محلی از زندگی شبانه) - راه‌اندازی شبکه‌های ارتباطی میان ساکنان - تجهیز مشاغل محلی به فناوری‌های نوین

فضای تجاری با کاربری شبانه‌روزی در این مراکز نه تنها هدف تأمین امنیت شبانه به عنوان ناظری حاضر در محله را تأمین می‌سازد، بلکه می‌تواند منبع درآمدی برای تأمین منابع مالی موردنیاز فعالیت این مراکز باشد.

در نهایت باید چنین گفت که حمایت اجتماعی از ساکنان محلات در حوادث و بحران‌ها می‌تواند پاسخ اجتناب‌ناپذیر محلی بر بحرانی جهانی باشد؛ زیرا معطوف دانستن مفهوم شهر بر مفهوم اجتماعی جاری در آن، تحقق ارتباط و گفتگومانی دوسویه با این بازیگران را می‌طلبد؛ مهمی که جز در مقیاس خرد محلات و مهیا نمودن امکان ارتباط فردی و گروهی مستقیم و مشخص به منظور شناخت مسائل و ماهیت رفتارهای جاری ممکن نیست و عزم مدیریت شهری و تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان را در تعمیم نتایج داده‌ها و اطلاعات محلی به منظور اتخاذ و اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری و محلی می‌طلبد.

غفلت از توجه به مناطق شهری به حاشیه رفته و گروه‌های ساکن در آن، چه

در سکونتگاه‌های غیر رسمی و حاشیه‌ای و چه در بافت میانی و مرکزی شهر تهران، در کنار پیچیدگی روزافزون نظام کار و اقتصاد در شهر تهران، شبکه حمل و نقل عمومی، توسعه نامتوازن شهری و مکان‌گزینی نامتناسب و متمرکز مشاغل، نبود اطلاعات و داده‌های قابل اتکا در مقیاس شهر تهران و عدم همکاری جامعه کنونی شهری با نهادهای خدمات و مدیریت شهری ناشی از شکاف اجتماعی میان نظام قدرت و جامعه شهری نیز لزوم وجود نهادی واسطه جهت میانجی‌گری و کاهش فاصله فضای ذهنی، فضای اجتماعی و نظام قدرت را دوچندان نمایان می‌سازد.

نتیجه‌گیری

یکی از جنبه‌های حائز اهمیت در تحقق وجوه مختلف حمایت اجتماعی و به تبع آن تاب‌آوری جوامع شهری در بحران‌ها، ساختارمند نمودن وجوه مشارکت در سطح جامعه و احیای روح شهروندی در میان ساکنان شهرهاست. اما تحقق این مفهوم در جوامع شهری با ساختارهای فرهنگی و اعتقادی متفاوت از بستر ذهنی سیاست‌گذاران و مدیران شهری، همواره چالش‌برانگیز بوده است. از این‌رو بازخوانی مفاهیم بنیادین، درس‌آموزی از تجارب و شناخت نوع رابطه نظام اجتماعی با ساختارهای اقتصادی و سیاسی شهرها، یکی از اقدامات مؤثر در ایجاد درکی صحیح از مسئله و اهمیت حمایت اجتماعی در بحران‌های شهری خواهد بود.

با توجه به آنچه بیان شد، نهادینه کردن مطالبه و تحقق حمایت اجتماعی در بحران‌ها (به عنوان یکی از ابعاد حق بر شهر) در جامعه شهری ایران را باید در بازتعریف رابطه شهر و شهروند مورد مذاقه قرار داد؛ زیرا این مفاهیم در یک رابطه چندسویه معناپذیر است و فقدان این رابطه، نقص وجودی مفهوم شهر و شهروندی را به همراه خواهد داشت. این ادعا درباره حق بر شهر نیز صادق است و عدم مشارکت شهروندان در شکل‌گیری و ادامه حیات شهرها، یا لااقل عدم باور به ایفای این نقش، سبب نقصان در مطالبه و تحقق آن می‌گردد. در واقع «حق بر شهر» با میزان مشارکت نسبت مستقیم دارد و این دو در یک نظام دیالکتیکی معناپذیر و تحقق‌پذیر می‌گردند.

درباره جامعه ایران نیز باید اذعان نمود که با توجه به تلقی سنتی از مفاهیم و ساختارهای شهری رایج، توفیق در دستیابی به نظامی پویا و کارآمد برای توانمندسازی و اقدام در بحران‌ها، هر چه بیشتر نیاز به رابطه‌ای فعال در سطح فعالیت‌های شهری و شهروندی دارد. به عبارت دیگر اجتماعی شدن اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای با بحران‌ها در یک قالب محله‌ای به عنوان بستر شکل‌گیری

تحولات و ورود به گفتمانی جهانی، در اولین گام نیازمند ورود شهروندان، نه تنها در نظام مشارکتی تصمیم‌گیری، بلکه در نظام فعالیت شهری مستمر است. هرچه نقش عملی جامعه در فعالیت‌های روزمره بیشتر به سطح شهر و فضای شهری وارد شود، علاوه بر رنگ تعلق بخشیدن به فضا به عنوان یکی از بنیان‌های توسعه پایدار، خود را هرچه بیشتر در رابطه‌ای معنادار با شهر قرار می‌دهد و ساختار تحقق یک نظام محله‌ای حمایت و مدیریت بحران را به عنوان اهرم متقابل و مورد مطالبه در مقابل نقش شهروند، در ادامه حیات و توسعه شهر فراهم می‌سازد.

این امر مستلزم شناختی صحیح از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی محلات شهری و روابط میان آنهاست. به‌ویژه در جامعه‌ای مانند ایران نمی‌توان مستقیماً به این شناخت دست یافت، بلکه یا نیاز به یک بازخوانی تطبیقی از مفاهیم است و یا تغییر در نظام مدیریت شهری به منظور مطابقت با نظام شهری مورد نظر در حوزه‌های مرتبط لازم می‌نماید. در هر حال بازتعریف ساختارهایی جدید، چه در حوزه نظام مدیریت شهری و چه در حوزه نظام حقوق شهری و شهروندی را می‌توان از اولین گام‌های تئوریک تحقق «مراکز حمایت اجتماعی» در محلات به منظور هماهنگ نمودن امکانات و ظرفیت‌های مختلف محلی و تأمین خدمات و نظارت بر اقدامات پیش، حین و پس از بحران‌ها با مشارکت شهروندان و دخیل نمودنشان چه در تصمیم و چه در عمل - در سطوح مختلف - برای دستیابی به شهر و محلاتی تاب‌آور، پویا، مشارکت‌محور و سرزنده دانست.

پی‌نوشت

۱. مفهوم جامعه در حال گذار یا دوره گذار، به دوره انتقال از دوره ثبات گذشته به دوره ثبات مورد انتظار در آینده گفته می‌شود که خود نیازمند مذاقه و بررسی در بازشناسی و واکاوی مفاهیم مورد نظر از ثبات در گذشته و چشم‌انداز مورد نظر در آینده خواهد بود. این مفهوم بیشتر به نقل از ماکس وبر به دوره انتقال (جامعه در حال گذار) از سنت (جامعه سنتی) به مدرنیته (جامعه مدرن) اطلاق می‌گردد.

منابع

۱. آهنچی، محمد (۱۳۷۶). مدیریت سوانح. تهران: جمعیت هلال احمر، مرکز آموزش تحقیقات.
۲. احمدی، خدابخش (۱۳۸۸). اصول و فنون مداخله روان‌شناختی در بحران. تهران: مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران.
۳. تافلر، الوین (۱۳۸۶). شوک آینده، ترجمه حشمت‌الله کامرانی. تهران: علم.
۴. تافلر، الوین (۱۳۸۸). موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: فرهنگ شهر نو، چاپ هجدهم.
۵. جلالی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). عصر مجازی: چهارمین موج تغییر، دومین سمینار میان منطقه‌ای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
۶. حائری، وحید (۱۳۸۸). کلبه‌های الکترونیک، فضای شغلی آینده. تهران: معماری و فرهنگ، دوره دوازدهم، شماره ۴۰، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، صص ۲۶-۳۱.
۷. حائری، وحید (۱۳۹۳). بازخوانی تغییر ساختار ماهیت فضای شهری در حوزه مرکزی شهر تهران، اصفهان. کتاب مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی شهرسازی و معماری فرهنگ مینا، دانشگاه شیخ بهایی.
۸. حائری، وحید (۱۳۹۴). کندو کاوی ساختاری در مسئله حق بر شهر. تهران: نشریه هفت شهر، شماره ۴۹-۵۰، شرکت بازآفرینی شهری ایران، صص ۱۶۵-۱۸۳.
۹. حائری، وحید (۱۳۹۷). منطق مکالمه در تحلیل و راهبردهای احیاء در بستر اجتماعی و فرهنگی بافت تاریخی. نشریه احیای بناها و بافت‌های تاریخی، شماره ۳ و ۴، صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و بافت‌های تاریخی و فرهنگی، صص ۵۶-۵۹.
۱۰. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: آگه.
۱۱. سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹). مدیریت شهری. تهران: نشر سازمان شهرداری‌های کشور، جلد یازدهم.
۱۲. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۳. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران. مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه زاهدان، شماره ۱، صص ۳۷-۶۲.
۱۴. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۷). با شهر و منطقه در ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت، چاپ پنجم.
۱۵. عدالتخواه، فرداد و دیگران (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان. فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی. سال دوم، شماره اول، صص ۱۰۱-۱۱۰.
۱۶. محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۷). ایران در چهار کهنکشان ارتباطی. تهران، سروش، جلد ۲ و ۳.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سری زمانی نماگرها و شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنجاه سال کشور، سازمان برنامه و بودجه.
۱۸. هارلند، ریچارد (۱۳۸۸). ابرساختگرایی، فلسفه ساختگرایی و پسا ساختگرایی. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: سوره مهر.
۱۹. هاروی، دیوید و اندی مری فیلد (۱۳۹۱). حق بر شهر. ترجمه خسرو کلانتری. تهران: مهریستا.
۲۰. هال، پیتر (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. ترجمه جلال تیریزی. تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

21- Unicef (2019) Building Shock-Responsive National Social Protection Systems in the Middle East and North Africa (MENA) Region, International Policy Centre for Inclusive Growth (IPC-IG).